

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

هنر و موسیقی	Arts & Music
--------------	--------------

مصاحبه کننده: پیکار پامیر
تورنتو

یک صحبت اختصاصی با محترم وحید قاسمی آواز خوان و آهنگساز کشور

درآمد:

چنانکه خواننده گان ارجمند اطلاع دارند، محترم وحید قاسمی، از سه دهه بدینسو بحیث هنرمند جوان، مؤلد و مستعد در بخش آواز خوانی و آهنگ سازی در کشور عزیز ما افغانستان مطرح است. تلاشها و کارکرد های هنری ایشان تا کنون نشان داده است که وی یک آواز خوان ساده ی آماتوری نیست، بلکه توانسته است از داشته ها و میراث های علمی و هنری پدر کلان خویش (استاد قاسم افغان) در راه تکامل هنر موسیقی سرزمین ما بهره گیرد. محترم قاسمی در سالهای اخیر، سفر هایی به افغانستان داشته و علاوه از تدویر کنسرت های دلچسب در کابل و ولایات کشور، به مطالعه و تحقیق مزید پیرامون موسیقی های محلی نیز پرداخته که خوشبختانه تا حال دستاورد هایی هم داشته است. اینک ما، در پای یک صحبت اختصاصی با ایشان قرار داریم:

سوال) محترم وحید قاسمی! به اجازه ی شما، از مقدمه گویی در اینجا میگذریم و مستقیماً به اصل موضوع تماس میگیریم. خواهش میکنم در مورد کارکرد های هنری تان قبل از هجرت و اینکه چه زمانی همکاری های تان را با رادیو و تلویزیون افغانستان آغاز کردید، برای خواننده گان ارجمند اندک معلوما تی ارایه فرمایید؟

جواب) در سال ۱۳۵۶ هجری، با تشکیل گروه موسیقی بنام (شاین) که با همکاری دوستانی بنام های عبدالله قاسمی، قاسم قاسمی و توریالی نواز در کابل صورت گرفت، کار را با اجرای موسیقی (پاپ) و بکار برد آلات موسیقی غربی و رعایت استندرد موسیقی غرب آغاز کردیم که از همان طریق آهنگهای وطنی

و خارجی و نیز آهنگهایی که از ساخته های خود م بود ، تقدیم علاقه مندان مینمودیم . چنانکه برای مدت دو نیم سال ، یک سلسله کنسرتها را در دانشگاه [۱] کابل ، لیسه ها ، سینما پارک ، سینما زینب ، گوپته انستیتوت ، سفارتخانه های مقیم کابل ، کلب پامیر در هوتل انترکانتیننتال ، کلب گولندن لوتس مارکوپولو ، ستف هوس ملل متحد در کابل و برخی از محافل خصوصی و عمومی دیگر اجرا نمودیم . خوشبختانه شیوه ی کار هنری ما در آن سالها ، مورد استقبال مردم و بخصوص نسل جوان کشور قرار گرفت . چنانکه هنرمندان جوانی که بعد از آن شروع بکار کردند ، از همین شیوه پیروی نمودند که به تشکیل گروه هایی مانند (گروه باران) ، (گروه گل سرخ) و غیره منتهی شد . و اما ، همکاری من با رادیو – تلویزیون افغانستان ، با نواختن گیتار و همراهی گروه آماتور رادیو – تلویزیون در سال ۱۳۵۷ آغاز گردید .

سوال) اعضای این گروه کی ها بودند ؟

جواب) اعضای گروه آماتور رادیو – تلویزیون در آن سال عبارت بودند از ببرک وسا ، مسحور جمال ، فواد طاهری ، خلیل صمیمی ، عبدالله اعتمادی ، چترام ، عمر شکیب و اینجانب .

سوال) میتوانید نام بعضی از آهنگهایی را متذکر شوید که در آن سالها به ثبت و نشر رسانیدید؟

جواب) البته کار گروه متذکره تقریباً دو سال دوام داشت و اگرچه طی این مدت کار های هنری زیادی صورت گرفت ، ولی از آن جمله ، چند تایی که بیاد م مانده مثلا ، " ته زما یار نشی " به آواز رحیم غمزده ، " باده ها خالیست خالی " به آواز احمد ظاهر ، " تو عمر دو باره " به آواز امیرجان صبوری ، " من قصه ی دل گویم " با آواز وحید قاسمی و عمر شکیب ، ترانه ی کودکان بنام " آسمان رنگ تو است قشنگ " و غیره بود .

سوال) لطفا در مورد تحصیلات رسمی و آموزشهای هنری تان بگویید ؟

جواب) تحصیلات رسمی را در دانشگاه [۲] کابل و در بخش زبان و ادبیات زبان دری در سال ۱۳۶۵ هجری به پایان رسانیدم و اساسات موسیقی شرقی را از کاکایم استاد یعقوب قاسمی و پدرم یوسف قاسمی آموختم . ولی ابتدایی ترین آموزشها پیرامون موسیقی غربی را از استاد سر مست و تیوری موسیقی غربی ، اساسات آرمونی و اکورد را از ببرک وسا فرا گرفتم .

سوال) تا کنون چه تعداد آهنگ در آرشیف رادیو و تلویزیون کشور دارید ؟

جواب) حدود چهل آهنگ در رادیو و بیست آهنگ تصویری هم در آرشیف تلویزیون دارم .

سوال) باوجود آنکه آواز خوانی و آهنگ سازی باهم تداخل بنیادی دارند ، ولی در عین زمان دو بخش جداگانه از کار کرد های هنری اند ، یعنی یک آواز خوان نمیتواند در عین زمان آهنگ ساز هم باشد ، همانطور که بسا از آهنگ سازان ، آواز خوان نخواهند بود ، در حالیکه شما در عین حالیکه آواز میخوانید ، خوشبختانه آهنگ ساز مستعد هم هستید . پس ممکن است بگویید که کار آهنگ سازی را چه زمانی آغاز کردید ؟

جواب) اولین آهنگ را در سال ۱۳۵۷ ساختم که مطلع شعر آن چنین بود : " دل را بنواز کفم آن لاله روگرفت " که شاعرش آقای (نوید) است . این آهنگ در همان سال به سنتیو های رادیو افغانستان به ثبت رسید و همینکه آواز خوانان به سبک کارم علاقه مندی نشان دادند ، به ساختن آهنگ برای آنان ادامه دادم . چنانکه پسانها آهنگ های دیگری برای محبوب الله محبوب به مطلع زیر ساختم : " بسته جان نا توانم را به مویی " که شعر از نعیم میر زاد است . آهنگ " اشکم ولی بیای عزیزان چکیده ام " که شعر از رهی

معیری است و توسط خانم سلما خوانده شده نیز از ساخته های من میباشد ، چنانکه همین اکنون ، یک بخش عمده ی کار هایم را آهنگ سازی تشکیل میدهد .

سوال) سال گذشته ، کتابی را بنام " قوقو برگ چنار " که توام با یک حلقه (سی دی) بوده و شامل یک سلسله از ترانه های زیبای کودکان افغان است ، مطالعه کردم و (سی دی) آنرا هم شنیدم که بیانگر کار مشترک شما با دوستان دیگر بود . میخواهم بپرسم که آیا شما پیشینه ی کاری با کودکان و آشنایی به ادبیات و موسیقی خاص آنها داشتید ؟

جواب) من در سالهای ۱۳۶۰ هجری ، برای مدت چهار سال معلم موسیقی در کودکان شمله و شیر پور بودم که تجارب خوبی از آن دوران بدست آوردم . در مورد کتاب و سی دی که شما از آن یاد کردید باید بگویم که در سال ۱۹۶۷ میلادی کتاب حاوی ترانه های کودکان به همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ و خانم لویس پاسکال امریکایی نژاد بچاپ رسیده بود . مگر متأسفانه این کتاب به مرور زمان از دسترس خارج شده جز اوراقی چند ، آنهم کهنه و فرسوده چیزی از آن باقی نمانده بود . بنابراین ، خانم لورین سکااتا پژوهشگر امور موسیقی شمال افغانستان ، مرا به خانم پاسکال معرفی نمود و پس از آن من و خانم پاسکال تصمیم گرفتیم با پشتیبانی انجمن آینده و جغرافیای بین المللی ، این مجموعه ی ترانه ها را مجدداً گرد آوری نماییم که به همکاری گروهی از اطفال افغان مقیم شهر تورنتو و تعدادی چند از کودکان مقیم امریکا و حمایت والدین آنان بکار آغاز کردیم . از متن اصلی کتاب ، هشت ترانه را باز سازی نمودیم که چهار آهنگ آن از ساخته های استاد غلام حسین و چهار دیگر آن از ترانه های کودک بود . باید افزود که چهار ترانه ی دیگر شامل این کتاب ، عبارت از دیالوگهای کوتاه کودک است که در زبان انگلیسی آنرا (چنت) میگویند ، مانند " بابه زنجیر باف " ، " قوقو برگ چنار " و " دویدم دویم " .

این نکته هم گفتنی است که در این مجموعه ی ترانه ها ، برای اولین بار آهنگ الفبا یا با الفبای زبان دری آهنگ ساخته و ترانه های پشتو ، ازبکی و هزاره گی را نیز شامل آن نمودم.

سوال) آیا از این مجموعه ی ترانه ها که مجدداً بچاپ رسیده ، به افغانستان هم فرستاده شده است ؟

جواب) بلی ، به تعداد سه هزار جلد آن در سال گذشته به وزارت معارف سپرده شد تا در اختیار اطفال افغانستان قرار داده شود و آقای اتمر وزیر معارف کشور هم امر توزیع و استفاده ی رسمی از این مجموعه را صادر کرده اند . [۳]

سوال) چنانکه هموطنان عزیز ما مطلع هستند ، شما از چندین سال تا کنون ، در بخش های نوازنده گی ، تنظیم موسیقی ، آواز خوانی و آهنگسازی اشتغال دارید ، لطفاً بگویید علاوه از آهنگهایی که شخصاً آنها را خوانده اید ، چه تعداد کمپوز یا ساخته های خودت را در اختیار سایر آواز خوانان قرار داده اید و در این زمینه ، چه اصل و معیاری را در نظر دارید ؟

جواب) در موقع آفرینش هر اثر هنری ، بیش از همه به این نکته می اندیشم که شنونده ی اثر ، جوهر ، مایه و فرم های موسیقی اصیل سر زمین مان را در آن احساس نماید . علاوه ، همیشه سعی میکنم تا اثر آفریده شده از تراوش های ذهنی خودم باشد تا بتوانم بدون کوچکترین وسواس ، کار خودم را در برابر موسیقی شناسان افغانی ، ایرانی ، هندی ، تاجیکی و امثالهم ، کار و اثر شخص خودم معرفی کنم . من حیث مثال باید بگویم که وقتی بخواهیم مضمون یا مطلبی را به زبان دری یا پشتو و یا هر زبان دیگر انشاد نماییم ، ناگزیر خواهیم بود از واژه های زبان مورد نظر با رعایت قواعد و ضوابط شناخته شده ی آن استفاده بعمل آوریم.

پس ، موسیقی هم واژه ها ، ویژه گیها ، سبکها و ظرافتهای موسیقایی خاص خودش را دارا میباشد. مثال دیگر : هرگاه بخواهیم یک آهنگ افغانی به سبک موسیقی پشتو بسازیم ، باید در کلیت آن ، شناختی از سبکهای موسیقی پکتیا ، لوگر ، مشرقی ، وردک و جا های دیگر داشته باشیم و مقام های مروج سبکهای مذکور را بدانیم تا فرم موسیقی خود مان را نگهداری کرده بتوانیم .

سوال) تا حال کدام هنرمندان از ساخته ها و کمپوز های شما استفاده کرده اند ؟

جواب) تا حال ، این آواز خوانان عزیز از کمپوز های من استفاده نموده اند : استاد مهوش ، خانم سلما ، خانم پرستو ، خانم هنگامه ، خانم سیما ترانه ، ماریا اعیار ، وجیهه رستگار ، سپیده ، مریم وفا ، ناهید ، مزده ، احمد ولی ، رحیم مهریار ، محبوب الله محبوب ، وحید صابری ، خسرو ، مختار مختار ، احمد ظاهر ، سید عمر ، حبیب قادری ، مامون ، سیر عزیزی ، خالد ناصری ، یما لودین ، رامین شریف و عمر شریف ، شکیب عثمانی ، تیمور جلالی ، وحید فضلیار ، فردین روستا ، ویس عندلیب ، نصیر احمد و از هنرمندان غیر افغانی مانند نوش آفرین (ایرانی) ، انورادا پتوال (هندی) و آشابهوسلی (هندی) .

سوال) فکر میکنم صحبت ها آرام آرام به عمق موضوع موسیقی نزدیک و نزدیکتر میشود . حال که چنین است ، بهتر خواهد بود اندکی روی الفبای موسیقی روشنی انداخته و باز به اصل مطلب بپردازید ؟

جواب) الفبای موسیقی در سراسر جهان ،

همان هفت پرده ی موسیقی است و بدین گونه :

La Si) (Do Re Mi Fa Sol

که اجرای قطعات موسیقی سازی و آوازی روی پرده ، نیم پرده و کوچکتر از آن در فاصله های معینی ، میزان های ضربی و استفاده از آلات مختلف موسیقی با کار برد و مراعات ویژه گها ، سبکها را از هم متفاوت میسازد .

سوال) شما آهنگ سازی را روی کدام اساس و چه شیوه ی کار هنری استوار نگاه میدارید ؟

جواب) من در واقع ، باساز متن ، فرم و پیام شعر ، آهنگ میسازم ، نه آنکه شعر را روی آهنگ تحمیل نمایم . تلاش من اینست تا شعر را با لحن موسیقایی بیان کنم تا آهنگ بیانگر شعر بوده حال و هوای آهنگ با روح و موضوع شعر موافق باشد .

سوال) بیشترینه آهنگهای تان در کدام بخشها یا روی چه ردیف هایی ساخته شده اند ؟

جواب) هرگاه آهنگها یم را ردیف نمایم ، تا حال غالبا در چهار بخش آهنگ ساخته ام :

الف) آهنگهای مربوط به سبک غزل که روی اشعار قدما چون حضرت ابولمغانی بیدل ، مولانای بلخی ، سرور دهقان ، لسان الغیب حافظ ، سنایی غزنوی ، قاسم گاهی ، قصاب کاشانی ، شیخ سعدالدین انصاری و غیره کار شده و میشود .

ب) غزلهای " لایت " که بیشتر در سبک کار خود متجلی است و این نوع آهنگها روی اشعار م. سایه ، رازق فانی ، سیمین بهبانی ، باری جهانی ، فریدون توللی ، رهی معیری ، ضیا قاریزاده ، حمیرا نگهت ، فریدون مشیری و غیره استوار اند .

ج) آهنگهایی که روی شعر نو یا شعر نیمایی ساخته شده و برای آنها ، سروده هایی از رازق فانی ، معینی کرمانشاهی ، یاسین فرخاری ، سیاوش کسرای ، فروغ فرخزاد و دیگران انتخاب گردیده است .

د) آهنگهای "پاپ" آرام که روی اشعار سخی راهی، علیشاه احمدی، نعیم میرزاد، سید نور فرخ، نادیه فضل، فوزیه رهگذر، حمیرا نگهت و دیگران استوار اند.

و نیز آهنگهای شاد "پاپ" برای نسل جوان که بیشتر روی تصنیف‌ها و دوبیتی‌های عامیانه ساخته میشود. این نکته را قابل یاد دهانی میدانم که در این عرصه، متاسفانه مواد و مجموعه‌ی کافی در اختیار ما نیست، در حالیکه در این بخش، مصنف یا ترانه‌سرا در موسیقی هند و ایران و سایر کشورها کاملاً رسمیت دارد و نامدارترین شاعران ایران مانند معینی کرمانشاهی، رهی معیری، فروغ فرخزاد، بیژن ترقی و سایرین، برای پارچه‌های موسیقی و آهنگ‌های مختلف، تصنیف‌ها نوشته‌اند.

سوال) وضعیت موسیقی افغانی در داخل و خارج از کشور را چگونه ارزیابی میکنید؟ چه کمبودهایی را در یافته‌اید؟ و چه نظر یا پیشنهادی غرض بهبود وضعیت موسیقی اصیل افغانستان دارید؟

جواب) وضعیت موسیقی امروز افغانستان، پریشان‌تر از وضعیت سیاسی و اجتماعی آن است. در داخل و خارج کشور هیچ مرجع و کانون هنری وجود ندارد تا آثار تولید شده‌ی هنری را از مرحله‌ی آفرینش تا مرحله‌ی ای که بدست نشر سپرده میشود؛ نظارت کرده در رفع کمبودها و نقایص کار کند و همه‌به این باوریم که موسیقی خوب و شعر خوب، ذوق‌ها را می‌نوازد و ارتقا میدهد و هرآنچه خلاف آن باشد، ذوق و ذهن شنونده را می‌آزارد. البوم‌های هنرمندان نامدار و سابقه‌دار ما، در مغازه‌های سراسر دنیا بگونه‌ی غیر قانونی کاپی شده و بفروش میرسد و یا از طریق سایت‌های انترنتی کاپی برداری میشود. در سالهای پسین، اثر یا تولید جدید از هنرمندان تثبیت شده‌ی مردمی به دسترس قرار ندارد، زیرا همه‌ی آنان متاسفانه از حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی محروم میباشند. نشرات تلویزیونی برون مرزی هم در این عرصه برنامه‌های منظم نشراتی در راه جلب حمایت از موسیقی اصیل افغانی، هنرمندان و سبکهای موسیقی وطنی ندارند. نشرات مربوط به موسیقی را خود مشاهده میکنید و ضرورت به توضیح بیشتر نخواهد داشت. با تاسف باید گفت که ما هنوز از شناخت درست موسیقی خودمان عاجز هستیم. همچنان از توضیح و معرفی موسیقی زنده‌ی کشورمانند موسیقی هزاره، پکتیا، نورستان، ترکمنی و ده‌های دیگر ناتوانیم، زیرا اطلاع نداریم که ریشه‌ها و پیوند‌های اصلی موسیقی ما تا کجاها میرسد. بقول مولانا که فرمود:

گفتم ز کجایی تو؟ تمسخر زد و گفت ایجان نیمم ز ترکستان، نیمم ز فرغانه

سوال) منظور شما از شناخت درست موسیقی خودمان چیست؟

جواب) بلی، منظورم اینست که بخش بزرگ موسیقی کشور عزیز ما، یعنی همان سبکهای موسیقی که تا کنون مورد شناسایی و پژوهش قرار نگرفته و با تات‌های موسیقی کلاسیک هند مطابقت کامل ندارند، ریشه در دوازده مقام قدیم سرزمین افغانستان داشته و تا جاییکه نتایج تحقیق و پژوهش علمی کشورهای همسایه نشان داده است، این سبکهای موسیقی، در واقع با هفت مقام موسیقی امروز ایران و نه مقام امروز موسیقی تاجکستان پیوند دارند، حتی یک بخش از موسیقی هزاره‌ی افغانستان با موسیقی چین هم ریشه میباشند، یعنی موسیقی ما با موسیقی سرزمین‌های همجوار به نوعی پیوند و ارتباط دارد.

سوال) در مورد موسیقی خرابات کابل چه نظر دارید؟ آیا پیوندی با اصالت‌های موسیقی خراسانی دارد و یا کلاً از هند وارد شده است؟

جواب) سبکی را که در کشور عزیز ما بنام سبک هندی می شناسیم ، بر خلاف تصورات عده پی از مردم ، از دوران سلطنت امیر شیرعلیخان آغاز نشده بلکه ریشه در ادوار بسیار دور سر زمین ما دارد که سینه به سینه تا امروز شنیده میشود و آمیخته بی از سبک خراسانی و سبک هندی میباشد . هرگاه چنین نمی بود ، استادان موسیقی هندوستان می بایستی فرم های موسیقی خرابات کابل را چشم بسته و بدون تفاوت اجرا مینمودند . مثلا ، وقتی آهنگ معروف استاد شیدا به مطلع : " این قافله ی عمر عجب میگذرد " را از نظر علم موسیقی شناسی مورد مطالعه قرار دهیم ، در واقع ، به آهنگهای فلک بدخشان که در مایه ی مقام " شور " خوانده میشود ، مطابقت بیشتر دارد تا راگ بهروی . ویا آهنگ معروف هرات بنام " سیاه موی و جلالی " که در مقام " شور " است ، نه بهروی و یا ، آهنگ " جامه نارنجی " که در مقام " چارگاه " بیشتر مایه دارد تا در بهرو . لهدا ، برای شناخت موسیقی سر زمین ما ، دانستن ده تات هندی و راگها و راگنی ها به تنهایی کافی نیست ، بلکه ریشه یابی موسیقی دوازده مقام در پهلو ی سبک هندی و سبکهای موسیقی مناطق همجوار ، جوابگوی شناسایی موسیقی نا شناخته مانده ی ما بوده میتواند .

همچنان تذکر باید داد که نمونه های بیشماری را سراغ داریم که اگر در مایه ی موسیقی وطنی خود ما اجرا نشود ، از طرف شنونده وطنی مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت . مثل آهنگ " یا مولا دلم تنگ آمده " چون ، از گذشته ها تا کنون ، پدیده ی موسیقی در جامعه ی سنتی ما متاسفانه به دیده ی حقارت نگریده شده است ، بنابراین ، اگر اساسات موسیقی خرابات از استادان این ساحت برای ما باقی نمی ماند ، به عقیده ی من ، شاید از موسیقی گوشه های دیگر سر زمین خویش هم بی خبر می بودیم . نمیدانم که هنرمندان ما در گذشته تا کدام عصر و زمان ، در مورد موسیقی دوازده مقام چیزی میدانستند و شاگردان آنها کیانند ؟ آنچه قابل مکت است اینست که نمونه های موسیقی محلی یا روستایی وطن عزیز ما ، ریشه های موسیقی اصیل ما را میسازند . من ، طی سفری به میهن عزیز در سال ۲۰۰۶ ، باساز تلاشهای شخصی بی که در این زمینه انجام دادم ، و نیز با تماس ها و تفاهماتی که با یکعده از هنرمندان سبکهای مختلف موسیقی وطن حاصل شد ، توضیحات لازم را برای مقامات با صلاحیت کشور بخاطر پژوهش لازم در این زمینه ارائه کردم .

سوال) لطفا در همین زمینه توضیحات بیشتری بدهید ؟

جواب) منظور این بود که به آنان تفهیم گردد برای تحقیق و مطالعات مزید در بخش ریشه یابی ، شناخت و شناساندن موسیقی اصیل وطن ، جلب پشتیبانی مردم و بخصوص همکاری دولت ، اشد نیاز است . باید پیرامون حد اقل یکصد سال کار کرد های هنرمندان و سبکهای خاص موسیقی هر گوشه و بیشه ی میهن بررسی و مطالعه ی دقیق صورت گیرد . این کار گسترده و بزرگ از عهده ی فرد بیرون است . پیشنهاد من اینست که غرض پیشبرد این کار ، باید کمیونهای بی که مشمول شخصیت های مجرب و مسلکی در عرصه های موسیقی ، تاریخ ، ادبیات و زبان باشد ، تاسیس گردد . همچنان ، از مقامات مسوول خواهشمندم تا در قسمت جمع آوری آثار هنرمندان محلات و سبکهای کار شان بگونه ی نوار های صوتی و تصویری و بیوگرافی آنها اقدام بعمل آورند .

سوال) میخواهم نظر تان را در مورد " اتن ملی " بپرسم . یعنی میخواهم بدانم که این آهنگ ، چه نوع اصالت مقامی دارد ؟

جواب) نغمه ی " اتن ملی " را که ما می شناسیم ، در گوشه ی بی از مقام " شور " بنا م " دشتی " نواخته میشود که اگر آنرا جبرا در قالب یکی از تات های موسیقی هندی به اجرا در آوریم ، تات آسآوری میشود

، ولی در آن صورت جوهرش را از دست میدهد . چه خوبست نغمه ی " اتن ملی " و سایر نمونه ها را که بیانگر احساس و عاطفه ی مردم ما اند ، بصورت فنی و علمی بشناسیم و آنرا پاس داریم .

سوال) اصطلاحی در میان نوازنده گان و موسیقی دانان ما وجود دارد که آنرا " لاریه " می نامند ، این چه صیغه یی است ؟

جواب) تا چهل سال پیش ، اجرای موسیقی " سازی " به شکل دسته جمعی در خرابات بنام " لاریه " رواج داشت . " لاریه " نمونه هایی اند که در ولایات کشور تا امروز ، مخصوصا در بدخشان نواخته میشود . و یا بعباره ی دیگر ، لاریه پیش درآمدی است برای آغاز چاشنی موسیقی در یک مقام و یا مقام های نزدیک بهم .

سوال) باید پرسید که پرده هایی از موسیقی را که برای هر تازه کاری می آموزانند بنام " سا - ری - گه - مه - په - ده - نی - سا " معروف است

آیا میشود این پرده های معروف هشت هجایی یا مفهوم این هشت هجا در پرده های موسیقی را توضیح نمایید؟

جواب) بلی . هر هجای بالا ، در زبان فارسی ، معنی خاص خودش را دارد . مثلا :

سا : پرده

ری : رو پرده

گه : میانی

مه : زیر نمایان

په : نمایان

ده : رو نمایان

نی : محسوس

سا : هنگام

اسمایی را که تذکر دادم ، در متون موسیقی امروزی موجود بوده و بقول دوست دانشمند احمد یاسین فرخاری که گفت در کتاب " الفارابی و الموسیقی " که در دهه ی شصت هجری شمسی در مصر چاپ شده ، توضیحات کافی در مورد موسیقی و اصطلاحات آن ارایه شده است .

سوال) در اخیر این صحبت اختصاصی باید افزود که شاید خواننده گان ارجمند و علاقه مندان موسیقی اصیل افغانی بخواهند بدانند که آیا شما صنف یا صنوف آموزش موسیقی هم دارید ؟

جواب) بلی ، من از یکسال بدینسو کورس تدریس موسیقی را گشوده ام که در آن یکتعداد شاگردان مصروف آموزش میباشند و افتخار دارم که از این طریق در خدمت جوانان و علاقه مندان موسیقی قرار دارم .

محترم وحید قاسمی ! از صحبت های مفید و ارایه ی معلومات علمی تان در برابر سوالهای مطروحه اظهار تشکر میکنم . (پایان)

یاد داشت اداره AA-AA:

[۱ و ۲] با آنکه ما ترجمه اسم خاص (پوهنتون کابل) را به (دانشگاه کابل) از دید املائی نادرست می دانیم ، اصل امانت داری در نشر نوشته های نویسندگان همیشه عزیز ما را بر آن می دارد ، تا نوشته ها را همان

طوريكه ارسال مي گردند؛ به نشر بسپاريم. مگر اينكه نويسنده اي لطف نموده از روي اعتماد اداره AA-AA را مؤظف به ويرايش و آرايش مقاله خويش نمايد.

[۳] باز هم بر اساس اصل امانت داري نخواستيم در متن تغييری وارد نمايم، در غير آن مبرهن است كه پورتال ملي و مردمی AA-AA اداره مستعمراتی کابل و مقامات آنرا نوکر اجنبی دانسته به هيچ صورت کلمه مقدس "افغانستان" را پسوند مشاغل مستعمراتی آنها نمی کند.